
ایسنا

یارانه است که دولت در مقاطع خاص آن را برای اقشار هدف در نظر می‌گیرد.

■ انتقادی که به پرداخت یارانه‌های پنهان وارد می‌شود این است که این یارانه‌ها فقط به اقشار هدف اصابت نمی‌کند و شیوه توزیع به گونه ای است که حتی پردرآمدها و پرمصرف‌ها بیشتر از یارانه منتفع می‌شوند و کم درآمدها به این ترتیب سهم کمتری از دریافت یارانه دارند.

در برخی اقلام ممکن است یارانه پنهان بیشتری به اقشار پردرآمد تعلق بگیرد اما در همه اقلام چنین نیست. مثلاً در بخش برق هزینه پرداخت به‌صورت تصاعدی بالا می‌رود و هیچ یارانه ای به پرمصرف‌ها تعلق نمی‌گیرد بلکه اگر مصرف بالا باشد اعداد و اقلام دریافتی بشدت بالاتر از هزینه تمام شده است پس این‌طور نیست که دولت در همه اقلام برای همه اقشار یارانه یکسانی پرداخت کند. در برق، آب و گاز دریافت هزینه بر اساس مصرف تعیین می‌شود در این سه بخش یارانه دولت فقط به کم درآمدها و کم مصرف‌ها تعلق می‌گیرد. بخش قابل توجهی از یارانه ای که به کم درآمدها در این ۳ بخش پرداخت می‌شود ممکن است از پرداخت تصاعدی هزینه پرمصرف‌ها تأمین شود، اما در برخی کالاها ممکن است افراد مختلف یارانه برابر بگیرند. مثلاً نان برای اقشار مختلف یک قیمت دارد البته باز هم دولت توجه کرده مثلاً در مناطق فقیر نشین نان با نرخ حداقل باشد و در مناطق پردرآمدتر آرد غیریارانه ای به نانوایی‌ها تحویل داده می‌شود.با این اوصاف قیمت نان در مناطق مختلف مختصر تفاوتی دارد. در شهرستان‌ها نان ارزانتر از تهران است. دولت‌های مختلف تلاش کرده‌اند این اختلاف‌های مختصر را رعایت کنند اما بیشتر از این نمی‌توان یارانه‌های پنهان را هدفمند کرد؛ مثلاً یک نانوایی نمی‌تواند نان را به فردی ارزان و به شهروند دیگر با یک قیمت متفاوت بفروشد. در باره

> پرداخت یارانه همگانی باید به‌صورت یارانه دستمزد و در قالب یارانه بیمه، یارانه سلامت، یارانه مسکن، یارانه آموزش و... مشابه این‌ها باشد که موجب تنبلی و کم کاری و سستی در جامعه نشود

سوخت هم همه مردم منتفع می‌شوند.
سوخت کالایی نیست که بگوییم فقط افراد خاصی از یارانه آن منتفع می‌شوند. مثلاً گازوئیل در حمل و نقل عمومی استفاده می‌شود و بیشتر افراد کم بضاعت از این نوع حمل و نقل استفاده می‌کنند افرادی که درآمدهای زیادی دارند کمتر حمل و نقل عمومی استفاده می‌کنند یا اصلاً استفاده نمی‌کنند این بخش یارانه عمدتاً به افراد کم درآمد اصابت می‌کند.
اما طبقه متوسط و پردرآمدها بیشتر از یارانه بنزین منتفع می‌شوند و سهم بیشتر یارانه بنزین به سمت این دهک‌ها می‌رود.
در مورد سوختی که در بخش تولید مورد استفاده قرار می‌گیرد مثلاً در حمل و نقل کالا و خدمات تولید و توزیع، تمام افرادی که از کالاهای تولید داخل استفاده می‌کنند از این یارانه بهره‌مند می‌شوند. برخی یارانه‌هایی را که پرداخت می‌شود نمی‌توان جداسازی کرد اما برخی یارانه‌ها را می‌توان با روش‌هایی جداسازی کرد تا دهک‌های هدف از آن بیشتر بهره‌مند شوند؛ مثلاً قیمت‌بنزین را راحت‌تر می‌توانیم بالا ببریم چون افراد کم درآمد و کسانی که خودرو ندارند کمتر از بنزین استفاده می‌کنند. البته ممکن است کسی هم که درآمد بالایی دارد مصرفی در بنزین نداشته باشد مثلاً به هر دلیل نتواند رانندگی کند یا افرادی که محل کار و زندگی آنها نزدیک به هم است از بنزین کمتری استفاده می‌کنند. به طور متوسط درباره بنزین، افراد پردرآمدتر بیشتر از یارانه پنهان آن استفاده می‌کنند هرچند اگر قیمت بنزین بالا برود نرخ‌های حمل و نقل عمومی هم تغییر می‌کند و افراد کم درآمد هم به همین خاطر متحمل هزینه‌های بیشتری در استفاده از حمل و نقل عمومی می‌شوند.

■ به نظر شما پرداخت یارانه نقدی باید به همین شیوه ادامه یابد؟

پرداخت یارانه نقدی به‌طور کلی منطقی و درست نیست بویژه اگر پرداخت یارانه نقدی همگانی باشد. مگر اینکه یارانه نقدی فقط برای افراد بیکار یا کسانی که توان کار ندارند یا مواردی مشابه پرداخت شود. پرداخت یارانه نقدی به افرادی که توان کار کردن دارند موجب تنبلی و سستی آنها می‌شود و برای اقتصاد مثبت نیست.
اگر بخواهیم یارانه نقدی را حذف کنیم جز دهک‌های پایین و آنهایی که درآمد پایین دارند نباید یارانه به افراد و دهک‌های دیگر پرداخت شود. پرداخت یارانه همگانی باید به‌صورت یارانه دستمزد، دستمزد و در قالب یارانه دستمزد، یارانه بیمه، یارانه سلامت، یارانه مسکن، یارانه آموزش و... مشابه این‌ها باشد که موجب تنبلی و کم کاری و سستی در جامعه نشود. کشور ونزوئلا نمونه ای از شکست پرداخت یارانه نقدی همگانی است. وقتی در این کشور یارانه به بیشتر افراد پرداخت شد افراد بیشتری بیکار شدند، وضع اقتصاد در این کشور خرابتر شد. یارانه نقدی شیوه درستی در حمایت‌های اجتماعی نیست و در بیشتر دنیا یارانه نقدی قطع شده و در بسیاری کشورها یارانه نقدی در قالب حقوق بیکاری و کمک به اقشار بسیار کم درآمد همچنان پرداخت می‌شود. دولت‌ها ناچار هستند به کسانی که توان کار کردن ندارند یا درآمد بسیار پایینی دارند یارانه پرداخت کنند ولی افرادی که می‌توانند کار کنند، پرداخت یارانه به آنها باید طوری تنظیم شود که برای آنها اشتغالزایی به‌دنبال بیاورد تا افراد از درآمدشان استفاده کنند در این صورت هم تولید بهتر می‌شود و هم سطح زندگی افراد بالا می‌رود و این نوع پرداخت هدفمند یارانه در مجموع موجب رشد جامعه می‌شود و همه اقشار جامعه از این یارانه منتفع می‌شوند.

■ شما معتقد هستید یارانه پنهان توانسته منجر به کاهش فقر در جامعه شود اما یارانه نقدی این نقش را ایفا نکرده است؟

یارانه نقدی هم به کاهش فقر کمک کرده است اما یارانه نقدی وقتی به همه افراد پرداخت شود آثار منفی اقتصادی زیادی دارد. در همه کشورهایی که حساب اقتصادی قوی دارند پرداخت یارانه نقدی همگانی قطع شده است و یارانه نقدی فقط به بی‌بضاعت‌ها یا در قالب کمک به هزینه‌های بهداشتی، آموزشی، مسکن یا مشابه آنها پرداخت می‌شود. یارانه نقدی مستقیم به افراد پرداخت نمی‌شود یارانه به افراد بی‌بضاعت در قالب دستمزد یا بیمه بیکاری پرداخت می‌شود.
در مجموع اساس پرداخت یارانه این است که باید به افراد واقعاً نیازمند پرداخت شود اگر بتوانیم با هر سیستمی افراد نیازمند را بهتر شناسایی کنیم و افراد توانمند را هم شناسایی کنیم و یارانه را در قالب‌هایی که آثار سوء کمتری دارد پرداخت کنیم یارانه می‌تواند مفید باشد البته مفیدتر از این برنامه این است که ما بتوانیم به رشد تولید و رشد اقتصاد کمک کنیم تا از قبل آثار افزایش تولید و اشتغال بهبود پیدا کند و کمک به نیازمندان از این مسیر باشد. در این صورت افراد کمتری بیکار می‌شوند و شهروندان درآمد را خودشان به‌دست می‌آورند اما با وضعیتی که سیاست‌های کشور طی چند دهه گذشته داشته برنامه‌های رشد و توسعه اقتصادی تحقق پیدا نکرده است.

■ کشورهای توسعه یافته یا کشورهای منطقه چه برنامه‌هایی برای ایجاد عدالت اجتماعی اجرا کرده‌اند؟

یارانه‌هایی که در بیشتر کشورهای پیشرفته پرداخت می‌شود یا در سطح نیازهای اولیه است مانند سلامت بهداشت و... که برای همه افراد پرداخت می‌شود یا اگر می‌خواهند یارانه‌های مستقیم پرداخت کنند در حد کمک به افراد ناتوان در قالب بیمه‌های اجتماعی یا خدمات همگانی و مانند آنها پرداخت می‌شود.
یارانه نقدی مستقیم مگر در موارد خاص و در قالب‌های طراحی شده پرداخت نمی‌شود. مثلاً در این کشورها اگر کودکی متولد شود یارانه به این کودک تعلق می‌گیرد که البته در راستای سیاست‌های تشویق به فرزندآوری و افزایش رشد جمعیت نیز هست. یارانه مستقیم پرداخت همگانی آن‌طور که در کشور ما پرداخت می‌شود در کشورهای پیشرفته اجرا نمی‌شود. کشورهایی که اقتصادشان بر اساس علم اقتصاد است پرداخت یارانه را هدفمند کرده‌اند.
در کشورهای منطقه جز کشورهای نفت خیز پرداخت یارانه نقدی چه مستقیم چه غیرمستقیم و چه یارانه پنهان وجود ندارد کشورهایی که نفت ندارند یارانه پرداخت نمی‌کنند. در کشورهای نفت‌خیز منطقه درآمدهای نفتی از طرف دولت‌ها برای ساکت کردن مردم، به‌عنوان نوعی رانت یا حق سکوت به مردم پرداخت می‌شود.


مهر

شود. صنعت نفت الآن منابع کافی برای سرمایه‌گذاری ندارد و فقط دغدغه تأمین یارانه‌های پنهان و نقدی را دارد. پروژه‌های توسعه نفت اگر اجرا می‌شد امروز وضع اقتصاد، اشتغال و تحریم‌ها متفاوت بود.
برنامه حذف یارانه‌ها با هدف اصلاح الگوی مصرف و افزایش قیمت شانزده قلم کالا و خدمات و توزیع یارانه نقدی بود. دولت موظف بود قیمت بخشی از مواد سوختی نظیر بنزین و گازوئیل و گاز و برق را به حدی افزایش دهد که بهای آن به قیمت‌های واقعی برسد. در مقابل هم پیش‌بینی شده بود که نیمی از درآمد حاصل از افزایش قیمت‌ها به صورت نقدی به خانوارها پرداخت شود و بقیه نیز در پروژه‌های عمرانی و اجتماعی هزینه شود. اما در عمل درآمدهای حاصل از افزایش قیمت‌ها به اضافه کمک سایر بخش‌ها نظیر وزارت نفت و نیرو و وام بانک مرکزی تنها برای یارانه نقدی استفاده شد.

■ آیا به سایر صنایع و تولیدی‌ها کمکی از بابت قانون هدفمندی یارانه‌ها نرسید؟

قرار بود بخشی از پول یارانه‌ها به صنعت پرداخت شود. اما آنچه من اطلاع دارم، رقم قابل توجهی در این سال‌ها پرداخت نشده و عملاً صنعت از این بخش بی‌بهره بوده است. چراکه دولت منابع کافی نداشت و هر قدر درآمد از محل حامل‌های انرژی به دست می‌آورد عیناً برای یارانه‌های نقدی پرداخت می‌کرد. از این روست که می‌گویم آنچه الآن هست، ضد عدالت و خلاف سیستم‌های بهره وری، تشویق و توسعه است.

■ به نظرتان سهم دولت در توقف این طرح بیشتر است یا مجلس؟

هر دو مقصرند. به نظر می‌رسد که نیاز به یک تصمیم جدی نه تنها در دولت و مجلس بلکه در کل سه قواست. ادامه این روش به کاهش قدرت خرید مردم می‌انجامد. باید کشور را از این وضع نجات داد.

■ چرا در ایران توجهی به اقتصاد انرژی نمی‌شود؟

مبحث انرژی در کشور ما از یک اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است. چرا که از یک سو با درآمدهای دولت و از سوی دیگر با رفتار مصرفی مردم و از طرفی با مسائل اجتماعی ارتباط تنگاتنگی دارد. لذا تصمیم‌گیری در مورد ابعاد مختلف این موضوع سخت است. نظیر اصلاح قیمت‌ها که در مورد آن دولت و مجلس سال هاست که محتاطانه برخورد می‌کنند. اما به نظر می‌رسد که باید در اولین فرصت دولت و مجلس بالاخره تصمیم بگیرند و دست به اصلاحات بزنند چراکه هر چه زمان بگذرد هزینه تصمیم‌گیری بیشتر و اصلاحات سخت‌تر خواهد شد. در ایران قیمت‌های حامل‌های انرژی با هیچ منطقی سازگار نیست و بایستی اصلاح شود. این اصلاح قیمت حامل‌های انرژی باید با دو شاخص همراه باشد. نخست مدیریت مصرف و بهینه‌سازی آن با استفاده از ابزارهای قانونی و دوم، کار فرهنگی برای این‌که مردم باور کنند انرژی قیمت بالاتری از بهای تمام شده خود دارد و نباید با آن مانند یک کالای بی‌ارزش برخورد کرد
امروز شدت مصرف انرژی در ایران در سطح بالاترین‌های دنیا قرار دارد. واقعیت این است که ایران یکی از پرمصرف‌ترین کشورهای دنیا در زمینه آب، برق، گاز، بنزین و سایر فرآورده‌های نفتی است اما در همین حال ارزان‌ترین انرژی دنیا را در اختیار مصرف کنندگان قرار می‌دهد و اتلاف انرژی بالایی دارد.
فراموش نکنیم که این حامل‌های انرژی، سرمایه‌های ملی هستند و به نسل‌های بعدی نیز تعلق دارند. لذا معتقدم که دولت و مجلس برای اصلاح قیمت‌های انرژی وسواس بیش از حد معقول دارند و باید به سمت منطقی کردن قیمت‌ها گام‌های بلندتر و جدی‌تری بردارند.

■ فکر می‌کنید مردم تغییرات قیمتی را می‌پذیرند؟

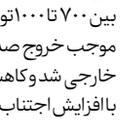
اگر مجموعه نظام قیمت‌ها را منطقی کند و صادقانه به مردم بگوید که در عرض ۳ سال دیگر خدماتی که می‌توانم به جامعه بدهم ارتقا پیدا خواهد کرد، چرا مردم نپذیرند؟ البته اگر قیمت‌ها بالا رود و تغییری در وضع رفاه اجتماعی رخ ندهد، نه تنها بی‌اعتمادی ایجاد می‌کند بلکه اصلاحات بعدی را سخت‌تر خواهد کرد. لذا دولت نباید اجازه دهد چنین اتفاقی بیفتد و باید با برنامه در این مسیر گام بردارد.
تصمیمات در این بخش باید با برنامه باشد. دولت و مجلس نباید نگران حواشی باشند. الآن باید نگران کشور باشند. باید برای سربلندی ایران کار کرد نه برای منافع شخصی. مردم هم از مسئولان این را می‌خواهند و با رأی خودشان به آنها اعتماد کرده‌اند. نباید بذر ناامیدی را در دل مردم پرورش داد. چرا تولیدکننده و بخش خصوصی باید تاوان این سهل انگاری را بدهد؟ اگر روند جاری ادامه پیدا کند، دیگر به آینده اقتصاد ایران نمی‌توان امیدوار بود.

■ شما به اصلاح قیمت‌ها اشاره کردید اما دولت در صنایعی نظیر برق حتی پول اندکی که از مصرف کننده دریافت می‌کند را هم به تولیدکننده بخش خصوصی نمی‌دهد. واقعاً فکر می‌کنید با اصلاح قیمت‌ها تمام مشکلات حل خواهد شد؟

خیر همان‌طور که اشاره کردم باید یک پکیج را در نظر گرفت و دنبال کرد. یارانه‌های نقدی اجازه نمی‌دهد که دولت در حال حاضر تمام منابع حاصل از فروش انرژی را صرف سرمایه‌گذاری و پرداخت بدهی‌ها کند. یارانه‌ها دولت را زمینگیر کرده است. یارانه‌ها مانند بختکی بر سر دولت است. در حوزه انرژی همه بخش‌های خصوصی فعال دچار مشکل هستند و دولت باید به داد آنها هم برسد اما اگر یارانه‌ها اجازه دهد و اصلاحی صورت گیرد.

دلار ۴۲۰۰ تومانی و معمای یارانه ها

یادداشت


محمود زرین ماه
اقتصاددان

از ۲۰ فروردین ماه ۹۷ با توجه به التهابات بازار ارز، دولت سیاست ارزی خود را تغییر داد و تأمین نیازهای وارداتی را بدون اولویت‌بندی با ارز ۴۲۰۰ تومانی و با نرخی نسبتاً ثابت به سامانه «نظام یکپارچه ارزی» نیما برد؛ به طوری که کالاهای اساسی و حتی کالاهای غیر ضروری در مجموع شامل این نرخ ارز شدند، اما در ادامه با توجه به اختلاف قیمتی که بین بازار آزاد و سامانه «نیما» وجود داشت، رانت‌هایی ایجاد شد که انتقاد تند کارشناسان را به همراه داشت. در ادامه و با توجه به ایراداتی که به سیاست اول ارزی وارد بود، در نیمه مردادماه ۹۷ تغییراتی در روند تأمین ارز ایجاد شد و بسته جدید ارزی به مرحله اجرا در آمد. بر این اساس دیگر دلار ۴۲۰۰ تومانی به تمام کالاها اختصاص پیدا نمی‌کرد و فقط کالاهای ضروری و اساسی می‌توانستند دلار با این نرخ را از محل منابع ارزی حاصل از نفت دریافت کنند. سایر نیازهای ضروری وارداتی بویژه مواد اولیه کارخانه‌ها از طریق ارز ناشی از صادرات غیرنفتی و در بازار ثانویه به قیمت دلار ۸۰۰۰ تا ۹۰۰۰ تومانی در بستر سامانه «نیما» تأمین می‌شود.
در ماه‌های اخیر با توجه به تغییراتی که در حوزه‌های ارزی ایجاد شد و دستورالعمل‌ها نیز اصلاح شد، برای واردات کالا ایراداتی پیش آمد؛ به طوری که بخشی از کالاها در گمرک ماند و خروج آنها به کندی صورت گرفت. در این حالت تأمین مواد اولیه کارخانه‌ها برای تولید و حتی واردات بخشی از کالاهای ضروری که با مشکل مواجه شده بود، خود عاملی برای افزایش قیمت و البته احتکار کالاها توسط برخی از سوءاستفاده کنندگان شد.

■ چندنرخی بودن ارز، منشأ رانت‌خواری

چندنرخی بودن ارز طی ۴۰ سال گذشته زمینه‌سازی هزاران تریلیون تومان رانت و سوء استفاده را در اقتصاد کم رمق کشور به دنبال داشته است. تعدد نرخ ارز که در دهه ۶۰ در اوج خودش قرار داشت، با شروع دولت سازندگی کاهش یافت. ولی با سرکوب قیمت ارز و تعیین نرخ دستوری قیمت ارز برای سال‌های طولانی بین ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ تومان باقی ماند. قیمت بسیار پایین ارز طی سال‌های مورد اشاره موجب خروج صدها میلیارد دلار از کشور و افزایش بی سابقه مصرف کالاهای خارجی شد و کاهش تولید داخلی و کاهش صادرات را به دنبال داشت.
با افزایش اجتناب ناپذیر نرخ ارز و تثبیت نسبی قیمت دلار طی سال‌های ۸۹ تا ۹۱ (بین ۳۰۰۰ تا ۳۵۰۰ تومان) این امید ایجاد شد که ارز به سمت تک نرخی شدن حرکت کند و وعده‌های بیست ساله مسئولین اقتصادی در دولت های مختلف تحقق یابد ولی واقعیت‌های اقتصاد ایران که مهمترین آن تولید کمتر و مصرف بیشتر است منجر به بروز التهاب در نرخ ارز و افزیش نرخ به ۴ تا ۵ برابر در سال های ۹۶ و ۹۷ شد (این نرخ هم اکنون در پایان آذر ۱۳۹۷ بارسیدن به ۱۰۵۰۰ تومان به ۳ برابر سال‌های ۹۲ تا ۹۵ رسیده است).
به دنبال تحولات قیمت ارز دولت در اوایل سال ۹۷ برای آرام کردن فضای اقتصادی و سیاسی کشور در اقدامی انفعالی و غیر کارشناسی اقدام به واگذاری میلیاردها دلار ۴۲۰۰ تومانی برای واردات کالا کرد که به سرعت توسط هزاران رانت‌خوار حرفه‌ای دریافت و تملک شد. وقایع ماه‌های بعد و محاکمات گسترده بخشی از متخلفین، اتلاف میلیاردها دلار سرمایه کشور و غلط بودن این سیاست را ثابت کرد. میزان رانت ناشی از این تصمیم با احتساب قیمت دلار نیما و سنا تا مبلغ شصت هزار میلیارد تومان و با احتساب ارز ۱۵۰۰۰ تومان تا مبلغ ۱۰۰ هزار میلیارد تومان است. هرچند همه مابه‌التفاوت ارز ۴۲۰۰ تومانی مورد سوء استفاده قرار نگرفت ولی کشف انبارهای احتکاری، اعترافات و محاکمات گسترده صدها نفر متخلف بازار ارز و کالاهای اساسی و احتکار و گرانفروشی‌های بی سابقه به خوبی نشان داد که میلیاردها دلار از این مبلغ از دست کشور رفته است.
تصمیم غلط و پرخسارت و رانت‌ساز واگذاری دلار ۴۲۰۰ تومانی که دولت استمرار آن را در سال ۹۸ نیز نوید می‌دهد به دلایل زیر نباید ادامه یابد.
اول وجود تفاوت حداقل ۵ تا ۶ هزار تومانی برای هر دلار و ۵ تا ۶ هزار میلیاردی تومانی بر هریک میلیارد دلار ۴۲۰۰ تومانی،
دوم وجود رانت‌خواران حرفه‌ای و با تجربه مرتبط با مراکز قدرت و مرتبط با صاحبان امضاهای طلایی در دولت و تجربه شکست خورده سالیان طولانی گذشته.
سوم تأثیر محدود و ناچیز این سیاست در قیمتی که خریدار نهایی برای کالاهای اساسی که قرار بوده با ارز ۴۲۰۰ تومانی به دست آنها برسد. به عنوان مثال مرغ، گوشت، شیر و لبنیات، از جمله کالاهایی هستند که بالاتر از قیمت تعیین شده به دست مردم می‌رسند دلیل آن هم این است که خوراک دام و طیور که مشمول ارز ۴۲۰۰ هستند، با قیمت آزاد توسط واردکنندگان به تولیدکنندگان فروخته می‌شود و دولت هم به عنوان یک ناظر نجیب نظاره‌گر این رویدادهاست و همچنان بر رویه شکست خورده تأمین ارز ۴۲۰۰ تومانی اصرار می‌کند.
چهارم. درگیر شدن بخش مهمی از توان اطلاعاتی، امنیتی و انتظامی کشور ...وجود ده‌ها هزار میلیارد تومان تفاوت بین ارز دولتی و دلار نیما و آزاد تخلفات، احتکار، خروج ارز، جابجایی نوع کالاها و به دنبال آن کشف انبارهای احتکاری گرانفروشی، کم فروشی و محاکمات صدها متخلف و مجازات‌های سنگین و چند مورد اعدام را به دنبال داشته. رویه‌ای که به هیچ عنوان نه قابل قبول است و نه قابل ادامه.
پنجم: تفاوت چشمگیر میزان مصرف اقشار مرفه با مصرف طبقات متوسط و محروم است. توضیح اینکه اگر فرض کنیم که همه ارز ۴۲۰۰ تومانی توسط دریافت کنندگان صرف تأمین کالاهای اساسی بشود (که فرضی محال است) آیا میزان مصرف همه دهک‌ها از کالاهای یارانه‌ای برابر است؟ به عنوان مثال هجوم ساکنین بالای شهر تهران برای خرید انبوه گوشت گرم وارداتی (با دلار ۴۲۰۰ تومانی) است، در حالی که اقشار محروم قادر به خرید مقدار ناچیز گوشت وارداتی حتی با نرخ مصوب نیستند. مرغ و روغن و شیر و لبنیات هم به همین صورت است و مصرف مرفهین بسیار بیشتر است لذا از این جهت هم تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی نیز به نفع دهک‌های برخوردارتر است.

■ راهکار پیشنهادی: حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی و افزایش یارانه نقدی هفت دهک اقتصادی

براساس آمار و مستندات موجود و نظر بسیاری از مسئولین، نمایندگان و صاحبنظران سیاست عرضه میلیاردها دلار ۴۲۰۰ تومانی زمینه‌ساز هدر رفت میلیاردها دلار شده است. پورابراهیمی رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی با اشاره به گرانی کالاهای اساسی با وجود اختصاص ارز ۴۲۰۰ تومانی از سوی دولت پیشنهاد کرد مابه‌التفاوت نرخ ارز ۴۲۰۰ تومانی به عنوان مابه‌التفاوت یارانه کالاهای اساسی به صورت نقدی در اختیار مردم قرار گیرد. به گفته وی، درست نیست که سالی حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان مابه‌التفاوت نرخ ارز را در اقتصاد توزیع کنیم اما مردم از آن سودی نبرند.
بنابراین به دنبال شکست سیاست تخصیص ارز دولتی یکی از راهکارها و به عبارتی بهترین راهکار این است که مابه التفاوت نرخ ارز ۴۲۰۰ تومانی را به عنوان یارانه به مردم پرداخت کنیم نه به دلال‌ها و این تفاوت عظیم ۱۰۰ هزار میلیارد تومانی را به عنوان یارانه نقدی به شهروندان پرداخت و قیمت‌ها را آزاد کنیم.
به نظر نگارنده نیز دولت می‌تواند و باید یارانه نقدی هر نفر را با ۱۰۰ هزار تومان افزایش به ۱۵۰ هزار تومان برساند این راهکار یعنی پرداخت نقدی مابه‌التفاوت ۱۴ میلیارد دلار ۴۲۰۰ تومانی یک بازی برد - برد برای دولت و مردم و یک بازی باخت - باخت برای رانتخواران و سوء استفاده کنندگان حرفه‌ای است. لذا دولت و مجلس باید به فوریت سیاست رانت ساز و پرخسارت عرضه میلیاردها دلار ۴۲۰۰ تومانی را متوقف و مابه‌التفاوت آن را به ۶ تا ۷ دهک شهروندان متوسط و محروم پرداخت کنند. این اقدام راهبردی و سرنوشت‌ساز به عدالت نزدیک‌تر و در راستای مقاوم‌سازی اقتصاد کشور و تقویت و ثبات و عدالت اجتماعی خواهد بود.
بر اساس مصوبه دولت، ۲۵ قلم کالا در فهرست کالاهای مشمول دریافت ارز دولتی موسوم به ۴۲۰۰ تومانی قرار گرفتند.